

صفرعلی کریمی

جووانی بوکاتچو

دکامرون و هزار و یک شبی دیگر

جووانی بوکاتچو یکی از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایتالیا در سال ۱۳۱۳ میلادی چشم به جهان گشود. این ادیب بزرگ آثار بسیاری نوشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «دکامرون» نام دارد. سال دقیق نگارش دکامرون مشخص نیست اما در مقدمه‌ی کتاب از بیماری تعاونی یاد شده است که در سال ۱۳۴۸ میلادی در فلورانس شیوع پیدا کرد و در این سال بوکاتچو سی و پنج ساله بود.

شیوع تعاون چنان وحشتناک و دلخراش بود که در تاریخ به نام «مرگ سیاه» معروف شد و شصت درصد مردم بعضی از شهرهایی مانند فلورانس را نابود کرد. شدت این فاجعه به اندازه‌ای بود که حیوانات بسیاری را نیز از بین برد. بوکاتچو در این زمینه شاهد رخدادادی بود که آن را این‌گونه نقل می‌کند: «زیلوه‌های مرد تعاون گرفته‌ی فقیری را که به تازگی مرده بود میان کوچه‌ای جلوخانه‌اش انداخته بودند. در همان وقت دو خوک که از کوچه رد می‌شدند، بر روی زیلوه‌ها رفته و پوزه‌ی خود را به آن‌ها مالیدند و گوشه‌های زیلوه را در دهان خاییدند. هنوز یک ساعت نگذشته بود که هر دو خوک چرخی به دور خود زده، بر زمین افتادند و در حال جان دادند»^(۱).

به هنگام شیوع این بیماری گروهی متشکل از هفت زن و سه مرد از شهر فلورانس می‌گریزند و به روستا یا کاخی خارج از شهر پناه می‌برند، تا خطر تعاون برطرف شود و آن‌ها به شهر بازگردند. این ده نفر با هم قرار می‌گذارند که برای سرگرمی و گریز از خستگی و یک‌نواختی زندگی، هر کدام در هر روز، یک قصه بگویند و کتاب دکامرون که به معنای ده روز است، حاصل این قصه‌گویی‌هاست. این مجموعه شامل صد قصه است و علاوه بر این که بلوغ فکری نویسنده را نشان می‌دهد، نمایشگر زندگی و اندیشه‌ی مردم در سده‌های میانه نیز هست.

بوکاتچو در مقدمه‌ی دکامرون درباره‌ی علت نگارش این کتاب این‌گونه می‌نویسد: «حکایت‌های من حاوی سرگذشت‌های عشقی است که شادی و حسرت، کامیابی و ناکامی عاشقان در آن منعکس

است. این داستان‌های کوچک به عهد و زمان خاصی تعلق ندارند و گل‌های جاویدانی هستند که همیشه شاداب خواهند ماند. بانوانی که به خاطر آن‌ها این مجموعه را گرد آورده‌ام از این کتاب، دو نتیجه خواهند برد: از حوادث آن عبرت می‌گیرند و در عین حال پندهای گران‌بهایی در آن خواهند یافت. آنچه هزل است به دور خواهند ریخت و آنچه جدی است به دل خواهند ریخت و به خاطر خواهند سپرد. از بدی‌های آن دوری خواهند کرد و خوبی‌هایش را سرمشق زندگی خویش قرار خواهند داد.^(۱)

شیوه و سبک کتاب «دکامرون» شبیه کتاب «هزار و یک شب» است، اما این که بوکاتچو این سبک را از هزار و یک شب تقلید کرده است یا ابداع خود اوست، مورد تردید محققان است، زیرا چاپ «هزار و یک شب» به زبان فرانسه در سال‌های ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۷ میلادی به وسیله «آنتوان گالان» انجام شده و این زمانی است که چندین سده از دوران زندگی بوکاتچو می‌گذرد. مقام بوکاتچو در ادبیات ایتالیا به اندازه‌ای است که به او لقب‌هایی مانند «بزرگ‌ترین قصه‌پرداز ادب ایتالیا»، «پدر نثر ایتالیا» را داده‌اند و مقامش را برابر با دانتی دانسته‌اند. بوکاتچو به جز دکامرون، آثار بسیار دیگری پدید آورد که بعضی از آن‌ها عبارتند از: «شکار دیانا، فیلوکولو، تزییدا، رویای عاشقانه، فیامتا، فیلوستراتو، کورباتچو، نسب‌نامه‌ی خدایان دوره‌ی شرک، ترانه‌های شبانی و...»

بوکاتچو سرانجام در ۱۳۷۵ میلادی در سن شصت و دو سالگی زندگی را به درود گفت. کتاب دکامرون، نخستین بار به وسیله «حبیب شنوقی» در دهه‌ی ۳۰ به زبان فارسی برگردان و چاپ شد و بار دوم زنده‌یاد «محمد قاضی» آن را برگردان و در سال ۱۳۷۹ منتشر کرد. داستان «سرانجام عشق» نیز از کتاب دکامرون انتخاب شده و به وسیله‌ی نویسنده این مقاله به‌نظم درآمده است. نام قهرمان در کتاب دکامرون «فدریگو» و نام زن «مونا جیوانا» است.

سرچشمه:

۱. جوانی بوکاتچو، دکامرون، برگردان: محمد قاضی، نشر مازیار، ۱۳۷۹.
۲. ژان بوکاجیو، دکامرون، برگردان حبیب شنوقی، کیهان، ۱۳۳۸.
۳. حسن شهباز، سیری در بزرگ‌ترین کتاب‌های جهان، امیرکبیر، ۱۳۵۵.
۴. زهرا خانلری، فرهنگ ادبیات جهان، خوارزمی، ۱۳۷۵.
۵. چارلز نایدر، انسان مبارز، برگردان پرویز مرزبان، موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.